

هو الله

ای یاران عبدالبهاء هرچند مدتی است که بواسطه قلم و مداد با شما گفتگوئی ننمودم ولی در عالم روح و فؤاد همیشه بیاد یاران جمال الهی مألوف بودم دمی فراموش ننمودم و نفسی نیاسودم بلکه در نهایت تضرع و ابتهال بودم که آن احبای رحمانی و دوستان الهی از ملال جسمانی و روحانی در جمیع شئون و احوال محفوظ و مصون باشند و موفق بآن گردند که بگفتار و رفتار و کردار بر ابرار و اشرار هر دو ثابت و محقق گردد که این حزب مظلوم مفتون جمال ابهی هستند و منجذب نفحات قدس از افق اعلی زیرا این بیان و تبیان و خلق و خوی و روش و سلوک و فضائل و کمالات از فیوضات نور قدم و اشراقات اسم اعظم است مقصد آن است که حقیقت انسانیّه باید مانند آئینه از شعاع آفتاب حقیقت روشن باشد والا سنگ سیاهی و ظلمت اندر ظلمت است و شعاع شمس حقیقت عرفان است ایمان است ایقان است اطمینانست انجذابست التهاست و استمرار در نشر نفحات است ای یاران الهی ایام بسرعت اتمام یابد مالک و مملوک گمنام گردد نه اثری نه ثمری نه برگی نه شکوفه‌ئی جمیع مظهر هل اتی علی الانسان حین من الدهر لم یکن شیئاً مذکوراً گردند مگر نفوسیکه بکلی از نفس و هوی بیزار شدند و مطلع انوار هدی گشتند مهبط اسرار شدند و سرحلقه ابرار گردیدند آنان مانند نجم زاهر از افق حقیقت تا ابدالآباد باهرند پس بکوشید تا از صهباء استقامت کبری بنوشید و بنهایت قوت در جمیع موارد مقاومت اهل غفلت نمائید و لو اجتماع علیکم من علی الأرض کله لا تخافوا و لا تنهوا و اعتمدوا علی انجاد جنود من ملکوت الله راحت ایامی چند نجوئید در عاقبت نگرید ملاحظه نمائید که نتایج محموده در اعمال و اطوار چه نفوسی موجود این دقت سبب عبرت شود و انسان بحقیقت پی‌برد

الهی الهی هؤلاء ارقاء لك اذلاء ببابك فقرآء اليك ضعفاء بين يدك قدر لهم كل خير و احفظهم عن كل ضير و اجعلهم حماة حصنك الحصين و رعاة اغنامك في تلك الأقاليم و رعاة ناقض عهدك بسهام سلطان مبین و برهان عظیم و اجعلهم سرجاً ساطعة بفيض النور المبین حتی يقوموا اشدّ القيام علی اعلاء كلمتك في ذلك القطر السّحيق ربّ ربّ هؤلاء طيور ضعاف اجعلهم نسوراً في اوج الألطاف و صقور الفضل و الانصاف و احمهم من الاعتساف انك انت القوى الوهاب و انك انت العزيز المهيمن المتعال ع